

مرقد سلمان فارسی و ایوان مدائن در ۲۰۰ سال پیش

شماره ۵: در شماره‌ی پیش سفرنامه‌ی رابا عنوان تذکرة الطريق، در بخش «کتابخانه‌ی حافظا» معرفی کردیم. بخش حاضر را درباره‌ی آرامگاه سلمان فارسی و ایوان مدائن از آن کتاب نقل می‌کنیم تا احساس و عواطف یک شاهزاده‌ی هندی مسلمان را نسبت به سه چهره‌ی ایرانی یعنی سلمان فارسی، انوشیروان، خسروپرویز ملاحظه کنید.

□ - بفضله - بیست و نهم ربیع‌الثانی [۱۲۳۲ هجری قمری]، روز سه‌شنبه: صبحی بعد از طلوع الشمس طاق کسری نمودار شد. راه می‌رفتند. کشتی شیخ خلف صاحب، بسیار عقب مانده بود. من قدری انتظار کشیدم. باز مردم گفتند که شما برای زیارت حضرت سلمان فارسی - رضی الله عنه - در مداین پایین بیایید، آن وقت خواهند آمد. من هم کشتی را کشانیدم. در این بین کشتی‌های شیخ پیدا شدند. الحمدلله رب العالمین. وقت عصر گنبد مبارک حضرت سلمان فارسی - رضی الله تعالی عنه - و طاق کسری آمد.

قریب شب شده بود. من از این‌جا روانه شدم. وقت عشا بلکه بعد از عشا نزد سلمان فارسی رسیدیم و ایستادیم برای زیارت. تمام شب در آن‌جا بودیم. شب یک دزد را زدند و بندوق سر کردند. شب ماه [به] نظر نیامد. قدری طرف ماه ابری بود.

«طاق کسری که خانه‌ی انوشیروان عادل همان طاق بود، بسیار بلند طاق است که تا سقفش سنگ که می‌زنند هرگز نمی‌رسد. عجب عمارت بلند است و حالا خراب شده است؛ و بعضی جا سقف و دیوارها هنوز باقی ست. این را دیده‌ی عبرت کردم: فاعتبروا یا اولوالالبصار؛ که

این مداین جای حکومت پادشاهان کیان بوده است و از این‌جا تمامی روی زمین احکام می‌رفت. و بغداد که مشهور است، از مداین هفت فرسخ است. در آن‌جا باغات بودند. انوشیروان آن‌جا رفته، به داد مردم رسید؛ برای [همین آن‌جا را] «باغ داد» می‌گفتند و مگر از کثرت استعمال الف انداخته «بغداد» کردند. و حالا در مداین زرها و طلا و نقره و جواهر و غیره از زمین بیرون می‌آید و قبر سلمان فارسی - رضی الله عنه - بدین جاست.»

- بفضله - سی‌ام، سلخ ربیع‌الثانی [۱۲۳۲]

هجری قمری] روز چهارشنبه: صبحی برای زیارت حضرت سلمان که در شائش «سلمان منی و من اهل بیتی» وارد شده است، معه بیگم صاحبه قبله - دام ظلها - پایین آمدیم. زیارت و نماز و وداع کرده، برای تماشا در طاق نوشیروان عادل آمدیم. خراب شده است. این‌جا شهر مداین و جای حکومت بود، به این‌طور خراب است. کار دنیا همین است؛ و از نفرین دعای حضرت رسالت پناه - صلی الله علیه و آله و سلم - وقتی که خسروپرویز ملعون نامه‌ی مبارک آن حضرت را پاره کرد، از دعای حضرت شکمش [را] پسرش شیرویه پاره کرد. الحمدلله رب العالمین، شکرآ، سزاوار همین بود آن ملعون شیطان خبیث. باز به عزاره رسیدیم. در راه صوبه‌دار «مستر ریح صاحب بالیوز بغداد» را دیدیم که به هند می‌رفت. شب بیرون بغداد ایستادیم.

- بفضله - غره جمادی‌الاولی سنه‌ی ۱۲۳۲ هجریه مقدسه مطابق چهاردهم ماه اول سنه‌ی ۱۱۹۷ جلوسی مبارک روز پنج‌شنبه: صبحی - بفضله داخل بغداد شدیم. میناس - ارمنی ... دار بالیوز - و غیره برای استقبال ما آمدند. جسر را وا کرده داخل طرف کاظمین - علیهما السلام - شدیم. توپ‌ها سر شدند. بعده پایین «پل» آمده بر اسب سوار شده بیگم صاحبه قبله بر تخت روان سوار شده همراه فوج کمپنی - بفضله - داخل کاظمین - علیهما السلام - شدیم. و آغارج علی برای دیدن آمده بودند و برای زیارت حضرت موسی بن جعفر و محمد بن علی الجواد - علیهما السلام - مشرف شده نماز ظهر و عصر کرده آمدیم.

(تذکرة الطريق: سفرنامه‌ی حج، شوال ۱۲۳۰ تا جمادی‌الاولی ۱۲۳۲ هجری قمری = سپتامبر ۱۸۱۵ تا فوریه ۱۸۱۷ میلادی)، چاپ رسول جعفریان و اسرا دوغان، صص ۲۴۳-۲۴۵) ■

